

## عنوان مقاله:

شکاف دیجیتال پارادایمی نو در آموزش و پرورش

## محل انتشار:

چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 5

## نویسندگان:

صادق جهانگیری - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد مسئول خدمات دانشجویی دانشگاه بین المللی امام رضا(ع)

جمیله جهانی - دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه فردوسی مشهد کارشناس نشریات غیرفارسی سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان

## خلاصه مقاله:

ثروت، قدرت و دانایی از دیرباز از مهمترین عوامل تغییر مناسبات اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. در جهان سوم، دانایی به ویژه ارزانتترین وسیله‌ای است که مردم می‌توانند با استفاده از آن، شرایط اجتماعی و اقتصادی فرزندان خود را تغییر دهند. در جامعه مبتنی بر دانایی، ثروت و قدرت نیز در دانایی متجلی می‌شود؛ بنابراین، دانایی مهمترین ابزار غیر مناسبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به حساب می‌آید. این بیان که من می‌اندیشم، پس تولید می‌کنم گفتمان رایج جامعه‌ی مبتنی بر اطلاعات است. در دنیای اطلاعات و ارتباطات، دانش، کلای اصلی است که در بازار مبادله می‌شود و منبع ارزش تلقی می‌گردد سرکارآرانی، 1831 در جامعه دانایی محور کنونی، جامعه بشری در حال پشت سر گذاشتن تحول عمیقی است. این تحول تنها در فناوری و ابزارها و محیط خلاصه نمی‌شود و نه تنها نحوه زندگی کردن ما، بلکه مفاهیم بنیادی زندگی، از مفهوم کار گرفته تا مفهوم آموزش دستخوش دگرگونی اساسی شده است طباطبایی آرانی، 1831 تحولات عظیمی که اخیراً رخ داده، جوامع را دچار تغییرات اساسی نموده است. به طوری که این تغییرات باعث دگرگونی‌های عظیمی در آموزش و پرورش شده است: الگوهای آموزش و پرورش مدرسه را تبدیل به الگوهای یادگیری محور کرده و دوران آموزش های دیجیتالی را آغاز نموده است، دورانی که یادگیری به بیرون از مدرسه و دانشگاه راه یافته و در محیط خانه، محل کار و در هر جای دیگری قابل دریافت است. در واقع همه این تحولات نتیجه رشد : تکنولوژی های ارتباطی است پاسبان رضوی، 1831 با ظهور فناوری جدید، حرفه تدریس از تأکید بر معلم محوری و آموزش مبتنی بر سخنرانی به فراگیر محوری و محیط های یادگیری تعاملی تغییر یافته است. باید توجه داشت آنچه که تدریس را تغییر می‌دهد فناوری نیست، بلکه این افراد هستند که اعمال تغییر میکنند و معلم در درجه اول باید به نیرویی موثر و کارآمد تبدیل شود. لذا صرفاً کاربرد فناوری مهم نیست، بلکه معلم باید روش های تفکر را که اغلب توسط فناوری در اختیار او قرار میگیرد، مدنظر قرار دهد رستا 2002 در این صورت است که معلم در حکم فردی نیست که جلوی کلاس و در برابر دانش آموزان می‌نشیند و تدریس می‌کند، بلکه او در مقام یک ، راهنما به دانش آموزان کمک می‌کند تا مسیر آموزشی درست را بیابند و یادگیری خود را ارزشیابی کنند. معلمان به جای این که جدا از همدیگر به امر تدریس بپردازند با کمک همدیگر و به صورت گروهی در طرح ها و پروژه های مشترک کار می‌کنند حج فروش و اورنگی، 1838 امروزه با ورود فناوری های نوین آموزشی و به ویژه دسترسی به اینترنت به فراگیر در جامعه و تأثیر پذیری از فرهنگ های جهانی ، موقعیتی به وجود آمده است که آموزش و پرورش ناگزیر است تا کارکردهای نوینی را متناسب با نیازهای زمان برای خود برگزیند و بیرونزد. با رجوع به آمارها و اطلاعات درباره میزان گسترش تکنولوژی اطلاعات در آموزش در کشورهای مختلف، متوجه میشویم که در بسیاری از آنها، هم کشورهای توسعه یافته و هم در حال توسعه، برنامه های جامعی را برای تجهیز مدارس به تسهیلات رایانه ای، اینترنت و ...

## کلمات کلیدی:

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/336200>



